

آینده در پیش رو Future at stake

Lately, with some friends, all young, patriotic and very actively involved in politics, I had some very long meetings and discussions about Iran and the future of our struggles. Many, men and women, living in different countries, were also involved in these discussions by different channels including internet.

We would like to share with you a brief outline of our thoughts. You are welcome to share these views with whomever you judge necessary.

Wisely agreed that beside suggesting any kind of "Constitution" draft, we should first have a kind of "Council" which would unify, plan and lead our struggles. Then, this Council that we could name "Gordan Bar Andazi" could introduce any ideas or a draft about the future Constitution of Iran. This "draft" must only treat the important and general points and principles that are necessary for a real "Democracy", whether Monarchy or Republic. If we start by proposing 2 different drafts of the Constitution (one for Monarchy and one for Republic) at this time and without any organism to lead our fight, we are afraid that again our compatriots would be divided in two groups, wasting their time and energy, fighting each other and completely forgetting about the main goal that is getting rid of this regime. Ideas for "Constitutions" should be put into this "Draft of Principles" that would be a kind of "Rules for Unity".

GORDAN BAR ANDAZI (or Miz Gerd) should be something like what RP proposed as "Unity", but it should go beyond words and be seriously structured as a serious organization in order to be recognized by the world and by Iranians as the real "Opposition". Something like what the exiled Iraqis are doing now (I hope we are not less than what they are!) or what Prince Sihanuk, now king, did for years before liberating Cambodia. We can also use the French Resistance, lead by G. De Gaulle during the WWII as another example.

If possible (!), this council must be composed by men and women representing different political groups, but united and taken oath for the same goal that is liberation of Iran. It should not have more than 7 or 9 members, if not, discussions and arguments would be endless! RP must be the "honorary" or "symbolic" head or the PR, since he

اخیرا با گروهی از یاران و دوستان جوانم که با اشتیاق تمام در راه آزادی ایران فعال میباشند مذاکرات و گفتگوهای طولانی و ارزنده ای در باره مبارزه ای که در پیش رو داریم بعمل آورده ام. تعدادی از آنها که در کشور های مختلف جهان زندگی میکنند از راه وسائل ارتباطی مختلف از جمله اینترنت در این گفتگوها شرکت داشته اند.

بدینوسیله میخواهیم بصورت فشرده نتیجه این بحث ها و افکارمان را با شما یاران و هم میهنان ارجمند در میان بگذاریم. بسیار مایه خرسندی خواهد بود که از آنها در گفتگو های خودتان هرطوریکه مایل باشید استفاده لازم را بکنید.

به فرزاندگی توافق شد تا درکنار تدارک پیش نویس یک " قانون اساسی " نوعی " شورا " که اتحاد را برای مبارزان بنیان میگذارد، همچنین طرحی برای راهنمایی یک چالش همگانی بوجود آید. این شورا که میتوان آنرا «گردان بر اندازی» نامید میتواند افکار و روش های نوین و همچنین نظریات عمیق تری در مورد پیش نویس قانون اساسی ایران ارائه نماید. در مرحله کنونی، این "پیش نویس" میبایست فقط نکات ارزنده و بنیانی یک قانون اساسی که زیر بنای اصول یک دموکراسی سالم و واقعی باشند را در بر گیرد؛ چه در نظام مشروطه پادشاهی و چه در یک سیستم جمهوری. برای ما مایه نگرانی است که چنانچه دوگونه قانون اساسی (برای پادشاهی و جمهوری) پیش نویسی شود بین مبارزین راه آزادی به گونه ای شکاف بوجود آید و در اینصورت انرژی همگان در مبارزه با یکدیگر بهدر رود و هدف اساسی ما که همانا سرنگون نمودن رژیم کنونی است بکلی فراموش شود! پیشنهادات برای " قانون اساسی " میبایست در چهار چوب «پیش نویس روش ها» (و یا یک پیش نویس اصول مبارزات ملی) در راه استحکام اتحاد ملی باشد.

گردان بر اندازی (میز گرد) میتواند شبیه آنچه رضا پهلوی در زیر سایه "اتحاد" پیشنهاد کرده است باشد؛ ولی اینبار میبایست از حالت حرف فراتر رفته و بعمل جدی تبدیل گردد؛ به گونه یک سازمان جدی و شناخته شده برای جهانیان باشد که تمام نیرو های مخالف رژیم کنونی را در بر گیرد. چیزی مشابه آنچه گروه های مخالف عراقی (به این امید که ما چیزی کمتر از آنها نداشته باشیم) و یا آنچه پرنس سیهانوک برای نجات کشورش کامبوج بوجود آورد. نیروی مقاومت فرانسه به رهبری ژنرال دو گل در زمان جنگ جهانی دوم نمونه بارز دیگری است برای بوجود آوردن چنین سازمانی.

در صورت امکان، این شورا میبایست از زنان و مردان و گروههای مختلفی تشکیل شود که تنها هدفشان در یک اتحاد واقعی برای آزادی ایران باشد و جز سوگند در این راه آرزوی دیگری را در سرنپروراندند. این «شورا» نبیست بیش از ۷

is the most recognized person by the world, but another person must be the "Acting" "Modir" and all the decisions must be taken democratically. They should have different branches for ARM FORCES, ECONOMY, FOREIGN RELATIONS, OIL, CONTACTS WITH GROUP INSIDE, CONTACTS WITH GROUP ABROAD, RECONSTRUCTION, WOMEN, YOUTH and anything else that would be judged important at this point. These branches would follow the situation in Iran (Politically and economically), make plans for the immediate future (from the collapse of the regime till another regime is chosen by the people), study Iranian problems, and propose ideas to GORDAN for shaping its policies, raising funds, contacting International Community, sending messages to Iranians, using the International Media, organizing different forces inside and outside Iran and of course, organizing the struggles, etc ...

- In the future of Iran, men and women should have the same rights and protected by the Constitution equally.
- The State must be secular at any price and every religion (or even non believers) or different ethnical groups must be equal before the laws of the land.
- The official language should remain Parsi, but each region has the right and the duty of teaching its local language as the second language (they will be Bi-lingual).
- Citizens of each region or town would freely elect their "Officials" (Mayors, Farmandars, regional and national Congressmen, etc) and rule their own region, but a "Satrap" should be chosen by the national government as the link between the region and the capital.
- All the laws would be the same in every region of Iran.
- The Army would be NATIONAL protecting the Constitution and defending the borders.
- A free Constitutional Council must be created.
- A second "Chamber" is necessary but NO foreign names such as "Senate" must be used.
- The political system and the Constitution must be decided freely after long and free debates in a free Iran.
- The Iranian national flag would be made of three horizontal colors; Green, White and Red, with a golden lion and sun in

یا ۹ نفر عضو داشته باشد زیرا در غیر اینصورت ممکن است تمام مذاکرات و نشست ها به بحث های لاینحل تبدیل شوند. بخاطر چهره و شخصیت شناخته شده اش در ایران و در جهان، رضا پهلوی میتواند عضو افتخاری این گروه بوده و در راس قرار گیرد؛ ولی اعضاء شورا باید یک "مدیر اجرایی" از میان خود انتخاب کنند و تمام تصمیمات بایستی بصورت دموکراتیک گرفته شود.

شاخه های گوناگون مانند شاخه ارتش، اقتصاد، روابط خارجی، مسائل نفتی، تماس با گروه های بیرون و درونمرزی، باز سازی، بانوان، جوانان و هر شاخه دیگری که احتیاج به آن ضروری تشخیص داده شود باید زیر نظر این گردان (میز گرد) باشد.

گردان بر اندازی باید اوضاع ایران را چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی دنبال و بررسی کند و طرح های مقتضی را تا زمان سرنگونی رژیم کنونی و برقراری یک رژیم مردمی اجرا نماید. مطالعه دقیق مشکلات ایران باید سر لوجه کار این گردان قرار گیرد و برای سامان دادن و متشکل نمودن سیاست کلی، جمع آوری کمک های مالی، هم آهنگی مبارزان، تماس با سازمان های بین المللی، استفاده از رسانه های همگانی بویژه تشکیل سازمانهای براندازی از وظائف آن میباشد.

- در ایران آینده مردان و زنان باید از حقوق برابر برخوردار باشند و قانون اساسی بایستی بطور مساوی از آنان حمایت کند.
- به هر قیمتی که شده حکومت باید «سکولار» (غیری دینی) باشد و هر مذهب (حتی ناباوران) و گروه های نژادی مختلف باید در مقابل قانون سرزمینشان یکسان باشند.
- زبان رسمی ایران پارسی خواهد بود ولی هر منطقه حق و وظیفه خواهد داشت تا زبان محلی خود را بعنوان زبان دوم به شهروندان خود آموزش بدهد (دو زبانه).
- شهروندان هر منطقه باید آزادانه در امور داخلی خود شرکت کنند و در انتخاب مسئولین محلی (شهردار، فرماندار، وکلای محلی و منطقه ای و غیره...) کاملاً آزاد باشند؛ اما "ساتراپ" هائی را که دولت مرکزی برای هر منطقه انتخاب خواهد کرد در واقع رابط بین مرکز و آن منطقه خواهند بود.
- تمام قوانین در سرتاسر کشور بطور یکسان مسری و جاری خواهد بود.
- ارتش ملی خواهد بود و از قانون اساسی دفاع نموده پاسدار مرز های ایران خواهد بود.
- یک «شورای قانون اساسی» کاملاً آزاد باید تشکیل گردد که به حسن اجرای قوانین نظارت داشته باشد.
- "اتاق و یا شورای" دیگری که نام اجنبی مانند سنا بر آن نباشد در کنار مجلس اول برقرار خواهد بود.
- یک سیستم (نظام) سیاسی و "قانون اساسی" بایستی بدنبال رایزنی آزاد و بحث مفصل و آزاد برای ایران آینده در نظر گرفته شود.
- پرچم ملی ایران از سه رنگ سبز، سفید و

the middle of the white central part. The style of the lion that is standing on its four feet (the sword would be removed) and looking ahead toward the flag pole, would be inspired from our historical and ancient designs. Torch may replace the sword. The torch symbol of culture, knowledge and teaching could take sword's place which is symbol of war and bloodshed.

It was also agreed that if a Republican system is chosen by Iranians, the French example is far better than the American to assure a democracy. By that, we mean that any party or individual has the constitutional right to present itself for the election and not only 2 groups like in the USA. Therefore, the elections would have 2 parts; one general, and one final (if no one has the majority), between the 2 finalist candidates. The length of presidency should be 5 years. The President (who is the head of the country) should be politically active (and not just a symbol and useless like in Israel, Germany and some other countries), but like in France, the PM is the head of the Government; he and his team must be accepted by the Parliament to which they have the Constitutional duty to answer any question in regard to their policy and department.

If a Constitutional Monarchy is accepted, the general rules should be the same as above, but with some differences. First, as men and women will have the exact same rights, the head of the Monarchy could be a King as well as a Queen. A "Council of Wise" must be created to choose the right person BELONGING TO THE ROYAL FAMILY for this function. Therefore, the first child of a King or Queen is not automatically the heir to the throne. This Council has also the right of deposing any "bad" Monarch and to replace him/her with another. The "coronation" must be a national event during which, he/she receives the symbols of authority (judiciary, executive and legislative) that he confides to the elected bodies. All the members of the royal family must have the same obligations before the laws of the land and obey the same laws as any other citizens. In a Constitutional Monarchy, the PM is chosen by the parliament. The Monarch is the symbol of the national unity and the protector of the CONTINUATION. He/she must be the supreme referee between the government and the nation. He/she is also the honorary president of the Constitutional Council. To honor the "Continuity", some believe that he/she should be responsible for the foreign relations, and therefore the army that is the guarantor of the territorial defense and the foreign policy. Some other believe that with the army at his/her disposal, he/she may become too powerful.

سرخ با علامت شیرو خورشید زرین در میان آن تشکیل خواهد شد. سبک شیر که بر روی چهار دست و پای خود ایستاده است (شمشیر از دست او گرفته خواهد شد) و بسوی جلو و میله پرچم نگاه میکند از نقشهای باستانی ایرانی الهام گرفته خواهد شد. مشعل ممکن است جای شمشیر را بگیرد. مشعل نماد فرهنگ و دانش و آموزش بوده و میتواند با شمشیر که نماد جنگ و خونریزی است تعویض شود.

چنانکه ملت حکومت جمهوری را برای ایران انتخاب کند برآزنده است که جهت تامین کامل مردم سالاری نمونه فرانسه که بیشتر به فرهنگ ایران نزدیک است در نظر گرفته شود تا یک سیستم دو حزبی مانند آمریکا. بدین منظور، که هر گروه سیاسی یا فرد مستقلی چنانچه استطاعت شخصی و قانونی داشته باشد بتواند در انتخابات شرکت نماید. بنا بر این انتخابات باید دو مرحله ای باشد؛ مرحله عمومی و مرحله نهایی (در صورتیکه کسی اکثریت را بدست نیاورد) بین دو کاندیدانیکه رای بیشتر آورده باشند. مدت ریاست جمهوری پنج سال خواهد بود و رئیس جمهور باید به عنوان رئیس کشور از نظر سیاسی فعال باشد نه بعنوان نماد؛ مانند آنچه در اسرائیل، آلمان ویا برخی دیگر از کشورها عمل میشود. ولی نخست وزیر همانند فرانسه در راس دولت قرار خواهد گرفت؛ او و اعضای تیمش بایستی در مقابل پارلمان مسئولیت داشته و از این راه جوابگوی ملت در امور خود باشند.

چنانچه ملت نظام پادشاهی مشروطه را برای ایران ترجیح دهد؛ فرقی در اصول قانون اساسی باسیستم جمهوری نخواهد بود فقط باید در آن حدود اختیارات و وظائف پادشاه بطور روشن افزوده شود. اولین نکته ای که باید بان اشاره شود این است که چون در ایران آزاد فردا مرد و زن از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود، همانطور که پیشتر نیز در تاریخ ایران نمونه اش را داشته ایم، چه مرد و چه زن میتواند بعنوان شاه یا شهبانو به تاج و تخت ایران برسد. انتخاب شهریار ایران با یک "شورای فرزندانگان" خواهد بود که از ریش سپیدان تشکیل خواهد شد و آنها از میان اعضای خانواده پادشاهی میتوانند آن کسی را که شایسته تر باشد برای این مقام انتخاب کنند. بنا بر این فرزند اول پادشاه یا شهبانو بطور ارثی و خود بخود به شهریاری نخواهد رسید. همچنین این شورا وظیفه و حق دارد تا شهریار نا قابل را از پادشاهی برکنار نموده و کسی دیگر را برای این سمت انتخاب کند. مراسم "تاجگذاری" یک رویداد کاملاً ملی و داخلی خواهد بود و در طی آن بطور سمبولیک سه نیروی حکومتی (اجرائی، مقننه و قانونگذاری) برای پاسداری از آنها به گرو پادشاه قرار خواهد گرفت ولی او یکایک آن مسئولیت ها را به مسئولین انتخابی ملت خواهد سپرد. تمام افراد خانواده پادشاهی در مقابل قانون با هر شهروند دیگر ایرانی برابر و مسئولیتشان یکسان خواهد بود. در نظام مشروطه پادشاهی نخست وزیر توسط پارلمان (مجلس) انتخاب میگردد. شهریار نماد ملی، تمامیت ارضی و اتحاد نژادی کشور خواهد بود وحق دخالت درسیاست روزانه کشور را نخواهد داشت. وی رئیس افتخاری «شورای قانون اساسی» خواهد بود و در این مقام داور بین ملت و دولت با او خواهد بود. برای اینکه به قدرت رسیدن نخست وزیران مختلف با سیاست های گوناگون آسیبی به سیاست خارجی کشور وارد نکند بعضی ها بر این باورند که برای تداوم و احترام به

But what is clear is that a serious national debate is necessary to decide about the real power of the Monarch since without any kind of power, written in the Constitution, he/she would be useless! The Monarch is not only representing the nation as the symbol of Unity, remaining above any politics, but he/she must also have the necessary powers to defend the nation against any foreign or interior danger. It will be wise that the Monarch and his/her family members should NOT have any political and governmental functions in a sense that every day's policies and decisions for the country MUST be lead by people through ! their government and elected bodies that are accountable before the nation.

Above is a summery (!) of our discussions that I hope one day will be included in a serious National debate

Iran's prosperity is our ultimate wish.

KRK/EJD



Join me in this silent voice of unity...Iran deserves better.

When Truth is not free, Freedom is not true, Freedom of Speech,
Freedom of pen, most important of all Freedom of thought

وقتی حقیقت آزاد نیست، آزادی حقیقت ندارد
و آزادی سخن و قلم و آزادی اندیشه از همه مهم تر

The sole purpose of this distribution is share of information.

پیمانهای بین المللی بهتر است که سیاست خارجی از وظائف پادشاه باشد و بنا بر این آرتش که ضامن قانون اساسی، سیاست خارجی و دفاع از سرزمین میباشد باید در اختیار شاه و یا شهبانو قرار بگیرد. ولی بعضی دیگر را عقیده بر این است که با در اختیار گرفتن آرتش قدرت پادشاه / شهبانوبیش از اندازه خواهد بود.

آنچه کاملاً روشن میباشد اینست که در این باره باید بین حقوق دانان و ملت بحث های مفصلی بوجود آید تا حدود اختیارات پادشاه در قانون اساسی کاملاً روشن گردد. در ضمن باید قبول کرد که بدون هیچگونه مسئولیت و وظیفه وجود پادشاه بیفایده خواهد بود و برای خدمت به ملت وی باید دارای حداقل اختیاراتی باشد. بسیار پرازنده خواهد بود که شه‌ریار و افراد خانواده اش هیچ دخالتی درسیاست روزانه نداشته باشند چون در واقع اداره مملکت از طریق نمایندگان انتخاب شده ملت در دست مردم خواهد بود.

این بود فشرده ای از گفتگوی مفصلی که با دوستان و هم‌زمانم داشته ام و ما همگی امید داریم که این پیشنهادات روزی در بحث های میهنی گنجانده شود.

پایندگی ایران آرزوی ماست.

KRK/EJD